

ترجمه و نقد مدخل تاریخ گذاری و قرآن

<?xml encoding="UTF-8">

چکیده

"تاریخ گذاری و قرآن"، یکی از مدخل های مهم جلد اول دایرة المعارف قرآن لیدن، نوشته گرهارد باورینگ می باشد. این مقاله، اختصاص به ترجمه و نقد این مدخل دارد. تاریخ گذاری و قرآن، مفهوم قرآنی زمان، مفهوم قرآنی تاریخ و شیوه های صدر اسلام در مورد تعیین ترتیب زمانی دریافت آیات قرآن توسط پیامبر، تحلیل تاریخی انتقادی عالمان غرب راجع به قرآن و نشانه های موضوعی تاریخ گذاری قرآن، از جمله مباحث مطرح شده در این مقاله اند.

مقدمه

"قرآن نوری است که خاموشی ندارد، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد، دریایی است که ژرفای آن درک نشود، راهی است که رونده آن گمراه نگرده، شعله ای است که نور آن تاریک نشود. . . دریایی است که تشنگان آن، آبش را تمام نتوانند کشید، و چشمه ای است که آبش کمی ندارد، محل برداشت آبی است که هر چه از آن برگیرند کاهش نمی یابد. . . خدا قرآن را فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان، و باران بهاری برای قلب فقیهان، و راه گسترده برای صالحان قرار داده است. 1

بررسی معارف و علوم قرآن تقریباً در هیچ دورانی از تاریخ اختصاص به مسلمانان نداشته بلکه این موضوع همواره از سوی عالمان و پژوهشگران غیر مسلمان نیز پی گیری شده است به ویژه در قرون اخیر شاهد اهتمام جدی خاورشناسان قرآن پژوه نسبت به پژوهش های قرآنی هستیم. برای نمونه می توان مؤسسه "بریل" شهر لیدن هلند را نام برد که در زمینه علوم قرآنی، ارزنده ترین اقدام اخیر آن، دائرة المعارف قرآن 2 بوده است. این اثر ارزشمند، در قالب پنج جلد و حدود هزار مدخل طراحی شده که البته تاکنون فقط سه جلد آن انتشار یافته و درباره دو جلد دیگر، وعده انتشار تا سال 2005 داده شده است. سر ویراستار این اثر مهم، خانم جین دمن مک اولیف (Jane Dammen McAuliffe) استاد تاریخ و ادبیات عرب دانشگاه جرج تاون امریکا (واشنگتن دی. سی) است. 3

در جلد اول دائرة المعارف قرآن لیدن، یکی از مباحث بسیار مهم برون قرآنی تحت عنوان "تاریخ گذاری و قرآن: Chronology and the Quran تألیف آقای "گرهارد باورینگ" چاپ گردیده است. در این نوشتار به ترجمه و نقد این مدخل تخصصی و ارزنده می پردازیم؛ امید می رود که این پژوهش توسط سایر پژوهشگران مورد تحقیق و کنکاش و کاوش بیشتری قرار گیرد.

تاریخ گذاری و قرآن

قرآن، آخرین متن از متون مقدس اصیلی است که به صورت زمان گذاری تاریخ بشری پدید آمده است تاریخ آن به

زمانی حساس و سرنوشت ساز برمی گردد یعنی هنگامی که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] قرآن را در نیمه شمال غربی شبه جزیره عربستان در طی ربع اول قرن هفتم میلادی ابلاغ نمود.

قرآن، رابطه مهمی با سبک و سنت کتاب مقدس یهود و مسیحیت ارائه می نماید، در حالی که هیچ نشانی از قرابت ادبی با متون مقدس هندوئیسم و بودائیسم ندارد و نسبت به آثار مقدس زرتشت از شباهت اندکی برخوردار است. 4 عناصر سنت و شیوه کتاب مقدس که قرآن نیز شامل آن است نشانگر موضوعاتی است که در آثار "ابوکریفایی" و "میدراشی" "یهودیت و مسیحیت" بیش از آن چه که در متون دینی آنان یعنی در عهد قدیم و عهد جدید بکار رفته، یافت می شود. البته هیچ مجموعه مستقلی از آثار مربوط به تورات و انجیل، یا مربوط به ملحقات رسمی آنها (اپوکریفا، میدراش) به عنوان منبع اصلی که احتمالاً قرآن وابستگی مستقیم به آن داشته باشد، شناسایی نشده است.

با وجود این، قرآن بعنوان آخرین کتاب مقدس بترتیب تاریخی ادیان بزرگ جهان، رابطه زمانمند روشنی با سبک و سنت کتاب مقدس یهودیت و مسیحیت دارد. هیچ شاهی دال بر این که این سنت تا زمان [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] به زبان عربی ترجمه شده باشد (چه به عنوان یک مجموعه آثار یا به شکل کتبی معین) وجود ندارد.

دیدگاه بسیار رایج در میان مورخان دین، این است که شناخت [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] نسبت به سنت کتاب مقدس تورات و انجیل اساساً یا صرفاً از منابع شفاهی نشأت گرفته است. این دانش شفاهی که از طریق شروح و ملحقات تورات و انجیل بارور گردیده بود، به زبان مادری [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]، به او منتقل شد؛ و البته سرانجام در قالب نقل هایی که بیشتر به زبانهای سریانی، اتیوپیایی، آرامی و عبری ثبت شده بود، به عنوان مدرکی که ریشه در واژگان بیگانه دارد، در قرآن عربی مشاهده گردید⁵ و در اصل، این واژگان دخیل از قبل در گفتگوهای دینی عربی محیط بومی [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] نفوذ یافته بود.

قرآن نخستین محصول ادبیات عرب از سنخ کتابی مبسوط است که در مقطعی سرنوشت ساز از گویش پیش از اسلام قرار گرفته و بیشتر به صورت نقلی و منظوم از زبان عربی بوده و به شیوه نثری عالمانه مکتوب گردیده و سرانجام تمدن اسلامی را پدید آورده است (بنگرید به آثار منقول و مکتوب در عربستان) اوایل این تحول در زبان عربی از شیوه شفاهی به حالت مکتوب که به لحاظ تاریخ گذاری دقیقاً به زمان و شخص [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] مربوط می شود، به گونه آشکاری در سبک منثور و مسجع قرآن نمایانگر است. این نثر مسجع و شیوه گویش غیب گویان کاهن⁶ پیش از اسلام، یکی از ویژگی های قرآن یعنی نخستین متن بزرگ عربی است که این نحوه گویش را به شکل مکتوب آن نشان می دهد.

ریشه های قرآن - این نخستین کتاب عربی - را همچنین می توان در محتوای آن کشف نمود.

آیات قرآن، بسیاری از موضوعاتی را دربرگرفته که بخش مهمی از عبادت و آیین دینی قبایل غیر اهل کتاب موجود در عربستان پیش از اسلام را تشکیل داده بود. البته نمی توان ریشه قرآن را به هیچ یک از ادیان قبیله ای موجود در دوران ماقبل اسلام نسبت داد، گرچه آیین دینی مکه بیشترین تأثیر را بر بینش دین قبیله ای عرب که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] آن را در اوایل جوانی خود احراز نمود، گذاشت.

پس از آن که قرآن از لوح محفوظ به پیامبر اسلام نازل گردید، آن حضرت قرآن را به طور روشن درک نمود و با ایمان کامل، ابلاغش کرد و آن را در دوران تاریخی خود تلاوت کرد. براساس دیدگاه رسمی مسلمانان، قرآن ابتدا

بطور دقیق در حافظه ها ثبت و ضبط شد آن گاه پس از رحلت پیامبر توسط پیروانش به شکل کتابی کامل مدون گردید. سپس در بستر نقل مستمری با نهایت احتیاط، تلاوت شده و مورد نسخه برداری قرار گرفت. از دیدگاه مسلمانان، قرآن یگانه کتاب مقدسی است که به شکل الهی خود در طول زمان، دست نخورده [و تحریف نشده] باقی مانده و این کتاب هم به لحاظ این که از خداوند ازلی سرچشمه گرفته و هم از جهت اینکه در طول قرن ها به گونه ای معتبر انتقال یافته است، فراتر از تاریخ گذاری 7 می باشد.

با احترامی که نسبت به دیدگاه اعتقادی مسلمانان درباره قرآن قائل هستیم، از نیمه دوم قرن اخیر، زبان شناسان تاریخی و خاورشناسان و سپس در قرن حاضر اسلام شناسان و پژوهشگران نقد متون تاریخ ادیان سعی کرده اند که به تحلیل و بررسی قرآن به عنوان متنی ادبی و منبعی تاریخی بپردازند. این رویکردهای عالمانه اساساً بر محور مسائلی از جمله "تاریخ گذاری قرآن" متمرکز شده است: مفهوم زمان و تاریخ در نظر قرآن چیست؟ آن دسته اطلاعات تاریخی در قرآن که این کتاب را بلحاظ تاریخ گذاری به حیات و دوران [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] متصل می سازد، کدامند؟

چه تفاوت هایی بین ترتیب تاریخی نزول واحدهای جزئی قرآن و ترکیب کنونی سوره ها و آیات در جمع نهایی آن به عنوان یک کتاب وجود دارد؟ مراحل اصلی تصنیف و تدوین اولیه قرآن به وسیله مسلمانان صدر اسلام به گونه ای که امروزه به دست ما رسیده، چه بوده است؟

این ها، مسائلی است که در تاریخ گذاری قرآن، محوریت یافته و در زمینه های تحلیل عالمانه متن قرآن، محتوای آن، سبک، ترکیب، تدوین و تاریخ و سیر نخستین آن تا تثبیت نهایی متن قانونی این کتاب، از اهمیت والایی برخوردار شده اند.

به خاطر پیچیدگی هر یک از این مسائل، آنها به گونه مجزا مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

مفهوم قرآنی زمان

متن قرآن مفهوم تجزیه پذیری از زمان ارائه می دهد که فاقد مفهومی از زمان است که به گذشته و حال و آینده تقسیم شده باشد. دلیل عمده ، این است که دستور زبان عربی فقط دو بُعد از زمان را می شناسد (کامل و غیرکامل) بدون اینکه دقیقاً بین حال و آینده تفکیک قائل شود. قرآن، همچنین جبرگرایی مربوط به زمان مبهم را که پیش از اسلام رایج بود؛ مبنی بر اینکه بر هر چیزی سلطه دارد و کارهای انسانی را بدون امید به زندگی ماورای مرگ نابود دانسته، رد می کند. قرآن پس از اثبات روز قیامت یعنی رستاخیز بدن و روح، زمان را از دیدگاه توحیدی تشریح می نماید یعنی وعده فردوس و وعیدها و عذاب هایی را می دهد. [از سوی دیگر] خداوند متعال آسمان ها و زمین و نخستین افراد بشر را با گفتن امر موجود باش (کُن) بوجود آورد.

او طبق اراده خود هر لحظه حیات می بخشد یا می میراند و بر تمامی لحظات وجود هر انسانی حاکمیت دارد. رایج ترین واژه در عربی برای مفهوم "Time" واژه "زمان" است که در قرآن بکار نرفته بلکه بجای "زمان" یا "قدم" واژگانی بکار رفته که بر مدت زمان محدودی دلالت دارند مانند "وقت"، "حین"، "آن"، "یوم"، "ساعة" اینها به "زمان" مفاد تجزیه پذیری می دهند که برای ما بینشی نسبت به کار مستمر الهی در جهان به عنوان یگانه علت حقیقی فراهم می آورد.

مفهوم قرآنی تاریخ

از آنجا که در زبان عربی، افعال دقیقی برای مفاهیم "بودن" و "شدن" وجود ندارد، لذا تجزیه پذیری زمان نوعی بینش قرآنی از تاریخ ارائه می دهد که در "طبیعت" نمود یافته ولی محوریت آن به تاریخ انبیا مربوط می شود. در قرآن، تاریخ به عنوان نمایشی از پیامبران الهی که هشدار دهنده و هادیان نسل های متوالی بوده اند و هر یک از آن امت ها پیام توحیدی انبیا را تکذیب نموده و در نتیجه به عذاب الهی گرفتار آمده اند، مطرح گشته است. تاریخ اساساً در قرآن به مثابه یکسری وقایع هم سنخ ترسیم شده که در آنها ویژگی های تشابه، اختلافات حقیقی بین قصص شخصی انبیا را نادیده و بی اهمیت به شمار می آورد. بهترین نمونه آن، تفسیری است که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] از تاریخ در پرتو حیات و دوران خود دارد؛ بدین صورت که تجربه خود را انعکاسی از تجارب همه انبیای پیش از خود می داند. و این موجب شده که تنوع حوادث گذشته به گونه الگویی منسجم و متداول مطرح شود. قرآن در مقام سندیت برای ثبت تاریخ نیست بلکه صرفاً گزارش هایی از اندرز پیامبرانه [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]، اشاراتی به موقعیت شخصی او، مخالفت دشمنان و سؤالات پیروانش ارائه می دهد.

اشارات قرآنی به وقایع معاصر دوران حیات [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]

اشارات خاصی وجود دارد که احتمالاً از متن قرآن به عنوان قرائن و شواهد تاریخی مرتبط با دوران پیامبر به دست می آید. این اشارات در بیشتر موارد، تیره و مبهم هستند؛ مانند دوران یتیمی [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]، عمویش ابولهب، تعقیب او توسط اهالی مکه، تحریم قبیله ای طایفه اش در مکه، رقابت سیاسی مکه با طائف، اقدامات مذهبی که در مورد خانه کعبه مشاهده شد، تپه های صفا و مروه، کوه عرفات و عبادتگاه مزدلفه.

اشارات رمزی به شکست نظامی رومیان به دست دشمنان ایرانی خود که احتمالاً به از دست دادن اورشلیم در سال 614 میلادی انجامید، در آیات دوم تا پنجم سوره روم به چشم می خورد. بازگشت برخی از پیروان محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] از حبشه به مکه احتمالاً در سال 615 میلادی و تلاوت سوره مریم برای پادشاه حبشه براساس اشاراتی که در سیره روایی پیامبر یافت می شود ممکن است مربوط به آیات 19 تا 23 سوره نجم باشد. البته پس از دوران هجرت، اشارات و قرائن صریحی نسبت به نبردهایی که توسط پیامبر در بدر و حنین و أحد اتفاق افتاده، وجود دارد. تاریخ این گونه وقایع را لازم است از منابع غیر قرآنی همچون منابع شرح حال نگاری پیامبر جستجو نمود. شواهد تاریخ گذاری قابل اعتمادی در قرآن وجود ندارد که بتواند با دوران قبل از هجرت تطبیق یابد. فقط قرائن نسبتاً متقنی مربوط به وقایع شرح حال پیامبر پس از هجرت هست که قابل انطباق زمانمندی با آیاتی از قرآن می باشد.

شیوه های صدر اسلام در مورد تعیین ترتیب زمانی دریافت آیات قرآن توسط پیامبر

از همان قرن های نخست اسلام، فقها و عالمان مسائل فقهی، حساسیت ویژه ای نسبت به ناسازگاری های ترتیب نزول که بر انواع تصریحات فقهی قرآن تأثیر می گذارد، از خود نشان می دادند. با اذعان به اختلاف ها و تنوع احکامی که در آیات مختلف قرآن یافت می شود، آنها نظریه نسخ را مطرح کردند که فهرستی از آیات ناسخ و منسوخ را بر مبنای ترتیب نزولشان ارائه نمود.

عالمان مسلمان دیگر به ویژه آثار اولیه مفسران، آثار مملو از حجم گسترده ای از اطلاعات ترتیب نزولی بود که می

توانست برگرفته از قرآن باشد و بدینسان مربوط به سیره پیامبر یعنی گزارش هایی درباره اقوال و افعال آن حضرت و تاریخ نگاری غزوات پیامبر که ارتباط با آیات خاصی از قرآن دارد. این امر به طرح منشأ دیگری از منابع تحت عنوان اسباب نزول انجامید. هر دو شیوه مذکور بررسی ترتیب زمانی خود را بر اساس آیات مجزا یا فرازهایی مستقل از قرآن متمرکز نمودند به جای آن که بخواهند تمام سوره را محور کار خود قرار دهند. این رویکرد، با جنبه تدریجی نزول قرآن بسیار سازگارتر بود. گروه دیگری از عالمان مسلمان در اواخر دوران قرون وسطا ارزیابی خود را راجع به ترتیب زمانی قرآن براساس این فرض استوار نمودند که هر سوره ای واحدهای خاص قرآنی را به وجود آورد که می تواند به آسانی به دو دسته مکی و مدنی تقسیم شود. نخستین تلاش در این زمینه، ارائه فهرستی از سوره های منسوب به ابن عباس بود.

عالمان بعدی همین شیوه را تشریح نمودند تا به صورت مبنای ثابتی در تفسیر بیضاوی و اتقان سیوطی در آمد. قرن های بعد به تدریج نقطه شروع کار اصلی پژوهش های غربی در تاریخ گذاری قرآن شد. هر چند، عالمان مسلمان می بایست با این حقیقت روبرو می شدند که فهرست تاریخ گذاری دقیق سوره ها از زمان قتاده (م. 112) مورد تردید و اختلاف بوده و اینکه قرآن پژوهان در مورد پاره ای از سوره ها به توافق نرسیدند که آیا مکی هستند یا مدنی و از همین رو فهرستی از هفده سوره مورد اختلاف [مختلف فیها] تنظیم کردند که عبارت بودند از: سوره های رعد، محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]، رحمن، حدید، صف، تغابن، مطففین، تین، قدر، بینه، زلزله، عادیات، تکاثر، ماعون، اخلاص، فلق و ناس. عالمان دیگر به این مجموعه شش سوره دیگر را افزودند: 49 (حجرات)، 62 (جمعه)، 63 (منافقون)، 77 (مرسلات)، 89 (فجر) و 92 (لیل).

سرانجام ترتیب تاریخ گذاری روایی منسوب به ابن عباس⁸ به گونه گسترده ای مقبولیت یافت و از طریق چاپ استاندارد مصر که در سال 1924 منتشر گردید کاملاً برگزیده شد. که در آن 86 سوره مکی شناخته شد که در رأس هر یک از آنها عناوینی بود که بیانگر تاریخ دقیق نزول آنها براساس کار پژوهشگران مسلمان بود.

تحلیل نقدی - تاریخی عالمان غرب راجع به قرآن

از نیمه دوم قرن نوزدهم، خاورشناسان به طور جدی با پژوهش هایی ادبی درباره قرآن درگیر شدند که مربوط به دستاوردهای عالمانه سنتی اسلامی راجع به زبان شناسی تاریخی و شیوه های نقادانه متن شناسی می شود که پژوهش های متون مقدس در اروپا مطرح نموده بود.

تلاش عالمانه متقنی به منظور نیل به ترتیب نزول آیات و سور قرآن انجام گرفت که می تواند با رشد و ویژگی های متنوع شخصیت دینی [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] منسجم باشد. این کار توسط "گوستاو ویل 9 در کتاب (Historisch - Kritische Einleitung Bielefeld 4481) آغاز شد که اوج خود را در کتاب تاریخ قرآن 10 (Geschichtedes Qorans) تئودور نولدکه یافت که بعداً توسط "فرد ریش شوالی" تجدید نظر و گسترش یافت و سپس توسط "گاتلف برگشت راسر" و "اتو پریتزل" در قالب کتابی سه جلدی عرضه شد و این کار مبنای پژوهش قرآنی غرب و چارچوبی پذیرفته شده راجع به تاریخ گذاری قرآن قرار گرفت و آنگاه "رژی بلاشر" در کتاب "درآمدی بر قرآن 11" تنقیحات بیشتری را بر آن افزود. ترتیب زمانی سوره ها که از طریق پژوهش قرآنی غرب تشریح گردید، عمدتاً تفکیک پژوهش سنتی اسلامی را بین سور مکی و مدنی پذیرفت و بعلاوه مرحله دوران مکی قرآن را به سه دوره مجزای دیگر تقسیم نمود.

شیوه دیگری که در زمینه تاریخ گذاری، نتایج مشابهی را به بار آورد توسط "هارت ویگ هرشفلد 12 در کتاب

"ترکیب و تفسیر"، (لندن 1902) انتخاب شد. او سور مکی را به دوره هایی خاص بر اساس پنج معیار ادبی تنظیم نمود: سور اثباتی، سور خطابی (موعظه ای)، سور نقلی و داستانی، سور توصیفی، و سور تشریعی (حقوقی)؛ این کار را در مورد دسته ای از سور مدنی نیز انجام داد. چند سال پیش از آن "ویلیام مویر13" در کتاب (قرآن، ترکیب و تعلیمش. لندن 1875) برای تنظیم سوره ها پیشنهاد ابتکارآمیزی را مطرح نمود یعنی تاریخ هیجده سوره کوتاه تحت عنوان "سور شعف آور" را مربوط به قبل از دعوت علنی پیامبر دانست14 (سوره های عصر، عادیات، زلزله، شمس، قریش، فاتحه، قارعه، تین، تکاثر، همزه، انفطار، لیل، فیل، فجر، بلد، ضحی، شرح و کوثر).

رویگرد کاملاً متفاوتی توسط ریچارد بل (در کتاب دو جلدی "قرآن" چاپ ادینبرگ 9-1937 و در کتاب دو جلدی دیگرش بنام "تفسیری بر قرآن" که پس از فوت او منتشر گردید چاپ 1991 در منچستر) اتخاذ شد. او تقسیم زمانمند قرآن به دو دوران مکی و مدنی را رها نموده و بجای آن نظام تاریخ گذاری بسیار ذهنی و نامربوطی برای آیات جزئی در قرآن به عنوان یک مجموعه طراحی کرد. در مقام واکنش نسبت به رویکرد "بل"، دو دیدگاه دیگر مطرح شد یکی توسط "جان وانس بروگ" (در کتاب "مطالعات قرآنی، چاپ 1977 لندن) و دیگری مربوط به "جان برتون" (در کتاب "جمع قرآن" چاپ 1977 کمبریج) که از زوایای کاملاً مخالفی، فرضیه های مربوط به رویکرد تاریخ گذاری غرب را رد نمود. [از سوی دیگر] "رودی پارت" (در کتاب Der Koran Kommentar und Konkordanz چاپ "اشتوت گارت" سال 1971) یافته های مهم پژوهش غرب در زمینه تاریخ گذاری قرآن با بررسی های اصلی و فرعی تألیف غرب را در کتاب مختصر تفسیر متعادل و سازگار با قرآن ترکیب نمود.

هدف از نادیده گرفتن چارچوب ترتیب نزول آیات و سور قرآن، آن چنان که در پژوهش غربی تعیین شده عبارت بود از تقسیم نمودن نزول قرآن به چهار دوره که سه دوره آن مربوط به مکه و دوره اخیر آن مربوط به مدینه بوده و نیز هدفشان پیوند دادن این ها به یک نگاه تحول درونی تدریجی در ضمیر خود آگاه پیامبر و آن خط مشی سیاسی بوده که پژوهش غربی از طریق شرح حال زندگی آن حضرت در ارتباط با مطالب قرآنی ارائه داده است. این کار به ابتکار "آلوئیس اسپرنگر" (در کتاب سه جلدی "Lehre und Leben" چاپ 5-1861) و "هابرت گریم" (در کتاب "محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]" چاپ 5-1892) انجام گرفت و سپس توسط "فرانتس بهل" (در کتاب Das Leben Mohammeds چاپ 1934) و از طریق توضیحات خاص "مونتگمری وات" (در کتاب "محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]" چاپ 1953 و کتاب "محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]" در مدینه " چاپ 1956) رشد و گسترش یافت.

پژوهش تاریخ گذاری قرآن و تحقیق در زمینه شرح حال نگاری سیره پیامبر وابستگی نزدیکی به یکدیگر داشتند. از همین رو، تهدید یک استدلال دوری بعنوان خطری پیوسته برای چنین رویکردی باقی ماند چرا که برآورد ذهنی رشد و تحول دینی [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] لازم بود با تأمل در انواع آیات قرآنی که کاملاً با آیات نازل شده اولیه متفاوت بودند، مورد استنباط قرار گیرد. با این وجود، تقسیم سوره های مکی به سه دوره متوالی، نظریات نوین متعددی را نسبت به اوایل نبوت [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] پیش از هجرت، به وجود آورد و نیز دیدگاه های برجسته ای را در مورد مراحل مهم تحول در ابلاغ اولیه قرآن مطرح ساخت.

به طور کلی تقسیم چهار دوره ای ابلاغ قرآن بر پایه دو اصل عمده مطرح شد. این تقسیم، سور قرآنی را به لحاظ نقد و تحلیل منشأ آنها مربوط به آن دسته از وقایع تاریخی دانست که از سایر منابع غیر قرآنی شناسائی شده بودند و به لحاظ تعیین نظام سوره ها، ماهیت زبان شناختی و سبک شناسی

سوره به سوره از متن عربی قرآن را مورد تحلیل و بررسی قرار داد (بنگرید به مدخل "دستور زبان و قرآن"، "شکل و ساختار قرآن"). همچنین نشانه‌هایی روشنی بین دوره‌های مکی در زمان تقریبی هجرت به حبشه در حدود سال 615 میلادی، و زمان بازگشت مایوسانه پیامبر از طائف در حدود سال 620 میلادی قرار داد و تاریخ هجرت را در سال 622 میلادی به عنوان ملاک تقسیم بین سور مکی و مدنی معین فرمود. شرحی اجمالی از انواع اصلی تنظیم تاریخ گذاری سوره‌ها در مقایسه با ترتیب کنونی آنها در قرآن را می‌توان در کتاب "درآمدی بر قرآن" وات بل مطالعه نمود. آن دسته از سوره‌هایی که در طبقه بندی دوران نخست و اوایل مکه جای گرفتند در تاریخ گذاری نولدکه شامل چهل و هشت سوره هستند که بر اساس این ویژگی‌ها شناسایی شده‌اند: یکسانی در سبک 15 که بیانگر احساسات (حضرت) محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] در آغاز رسالت است به زبانی که به گونه رسا تصوراتی را تفهیم می‌کند، گویای شور و هیجان هستند، آیات آنها کوتاه‌تر 16 و موزون می‌باشد و به سبک و صیغه شاعرانه قوی و همراه با سی سوگند در آغاز سوره‌ها یا فرازهای قرآنی نازل شده‌اند. بیشتر این سوره‌ها که به عنوان یک دسته معین شده‌اند به جای آنکه در ترتیب دقیق تاریخ گذاری نزولشان در نظر گرفته شوند، کوتاه هستند. بیست و سه سوره از آنها کمتر از بیست آیه دارند و چهارده سوره دیگر دارای کمتر از پنجاه آیه هستند. آنها اشاره به هشدارهای جدی پیشگویانه راجع به پایان این جهان و حکم و قضاوت نهایی پروردگار درباره انسان‌ها دارند (بنگرید به مدخل "پیشگویی"). این سوره‌ها شامل گزارش‌هایی مربوط به حملات شدید پیامبر علیه دشمنان مکی خود به خاطر پیروی آنها از دین قبیلۀ ای اجداد عربشان می‌باشد و نیز راجع به تکذیب‌های تند آنان و اتهامات زیان بارشان در برابر ادعای وحیانی بودن سخنان پیامبر است که آن حضرت را به گونه اهانت آمیزی کاهن، شاعر و مجنون می‌خواندند.

سوره‌های دوره دوم مکی یا دوره میانی مربوط به مکه بیست و یک سوره‌اند که دارای آیات و واحدهای طولانی تری از وحی هستند که سبک منثور آنها بیشتر است و نمی‌توان به روشنی یک ویژگی متداول مستقلی را برای آنها ارائه داد. نشانه آنها عبارت است از انتقال پیامبر از حالت هیجانی مرحله اول به حالت آرامش بیشتر او در مرحله ثانی که هدفش تأثیر گذاردن بر مخاطبان خود از طریق ادله توصیفی و تجسمی مانند توصیف پدیده‌های طبیعی، تشریح زندگی بشر و ارائه تصویر روشنی از بهشت و دوزخ بود. از نشانه‌های دیگر آنها ذکر قصص پیامبران پیشین و عواملی است که بطور خاص از داستان موسی نقل شده مانند سرزنش دشمنانش و تشویق آن حضرت و گروه کوچکی از پیروانش. محل سوگندها 17 در عناوین ابتدای آیات، انتخاب شده مانند "این وحی الهی است" و مانند کاربرد مکرر "قُل" که به منظور اعلام پیام خاصی قرآنی است که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] مأمور به ابلاغ آن می‌گردد. نام "الرحمن" که یکی از اسامی خداوند است و از دوران ماقبل اسلام در قسمت جنوبی و مرکزی عربستان بکار می‌رفته، گرچه اهالی مکه پیش از اسلام از آن احتراز می‌ورزیدند، در این سوره‌ها فراوان استعمال گردیده که البته در دوره سوم، دیگر کاربردی ندارد (بنگرید به ذیل گفتگو راجع به اسامی الهی).

سوره‌های دوره سوم مکه یا اواخر این دوران مکی بیست و یک سوره‌اند اما در هیچ نوعی از ترتیب تاریخ گذاری درونی قرآن نمی‌گنجد. آنها نوع گسترده‌ای از سبک منثور با نمونه‌هایی مسجع را نشان می‌دهند که رفته رفته به حالت قالبی و کلیشه‌ای درمی‌آیند و نوعاً به پسوند "اون" و "این" ختم می‌شوند. تعبیر "یا ایها الناس" توسط [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] به طور فراوان در خطاب به پیروانش به صورت گروهی بکار می‌رود. سخنان تصویری و تخیلی پیامبر، کمرنگ شده و آیات وحی شکل خطابه‌ها یا سخنرانی بخود می‌گیرد و قصص

انبیا افکار پیشین را تکرار می کند. روی هم رفته، این دسته از سوره ها می تواند به عنوان نمایی از خشم یا رنجش پیامبر در برابر برخی از هم قبیله ای های مکی نسبت به پیام او به شمار آید. سور مدنی 24 سوره اند و به ترتیب تاریخ مند خاصی یکی پس از دیگری قرار گرفته و بیانگر قدرت فزاینده سیاسی پیامبر و تشکیل چارچوب اجتماعی امت اسلامی او هستند. (ر. ک: مدخل: "امت و جامعه")

پیامبر به عنوان رهبری شناخته شده و رسمی در دین و امور اجتماعی جامعه مدینه، جامعه ای که پیش از ورود آن حضرت، از طریق اختلاف و کشمکش های درونی از هم پاشیده بود، آیات قرآنی او در ارتباط با تشریع احکام جنائی، امور داخلی همچون قوانین ازدواج و طلاق و ارث، و دعوت به جهاد در راه خدا نازل گردید. گروه های مختلف مردم، هر یک با عنوانی خاص مورد خطاب قرار گرفتند. به عنوان نمونه، مؤمنون، مهاجرین مکه و انصار مدینه با تعبیر "یا ایها الذین آمنوا" ولی آن دسته از اهالی مدینه که به پیامبر، بدگمان و بی اعتماد بودند و در گرایش به اسلام تأنی و درنگ داشتند تحت عنوان "منافقون" خطاب شدند. اعضای قبایل قریظه، نظیر وقینقاع مجموعاً به عنوان "یهود" و مسیحیان به عنوان "نصاری" خوانده شدند.

بیش از سی مرتبه - و فقط در آیات مدنی - افرادی که از قبل به آنها کتاب آسمانی داده شده بود همگی با لقب "اهل الکتاب" مطرح شدند تا از گروهی که فاقد کتاب آسمانی بودند و "امیون" نامیده می شدند تفکیک گردند. گروه دوم کسانی بودند که خداوند پیامبرش را با لقب "النبی الامی" در آیات اواخر مکه از میان آنان برگزید. دسته مهمی از آیات قرآن مربوط به سور مدنی به قطع رابطه پیامبر با قبایل یهود اشاره دارد، و سپس مطرح ساختن شخصیت ابراهیم - با کمک اسماعیل - بعنوان بنیانگذار خانه کعبه و نخستین اسوه مسلمان حنیف که بیانگر دین خالص الهی است (ملة ابراهیم) و بعداً به وسیله [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] تقویت و تثبیت گردید.

اساسی ترین ترتیب تاریخ گذاری آیات و سور قرآن توسط "ریچارد بل" انجام گرفت کسی که فرضیه های مبسوط توأم با قیود و شروطی خاص را استنباط نمود. او گفت که ترکیب قرآن از سه مرحله برخوردار شده است: مرحله "آیه"، مرحله "قرآن" و مرحله "کتاب". نخستین مرحله از دیدگاه "بل" مربوط است به عبارات مشتمل بر "آیات" و پند و اندرزهایی در ارتباط با عبادت پروردگار اینها بیانگر قسمت عمده مواظظ پیامبر در مکه است که صرفاً مقداری پراکنده و ناقص از آنها باقی مانده است. مرحله "قرآن" شامل اواخر زندگی پیامبر در مکه و دو سال فعالیت او در اوایل دوران مدینه می شود که در طی این دوران پیامبر به کار فراهم آوردن مجموعه ای از محفوظات دینی و عبادی پرداخت. مرحله "کتاب" متعلق است به فعالیت او در مدینه که آغاز آن به اواخر سال دوم پس از هجرت برمی گردد که از آن زمان پیامبر در صدد تدوین قرآن (به صورت کتاب) برآمد. البته در قرآن کنونی، هیچیک از این سه مرحله را نمی توان بطور دقیق و مجزا یافت زیرا فرازهای مشتمل بر "آیه" بتدریج در مجموعه عبادی گنجانده شد و محفوظات شفاهی پیشین بعداً مورد تنقیح و تعدیل قرار گرفته و قسمتی از کتاب مدون را تشکیل دادند "بل" اغلب در مقام تبیین نظام پیچیده خود در مورد معیارهای تفکیک کننده، به اظهار نظرانی نسبتاً کلی بسنده نموده است. او سوره ها را بر اساس برداشت های شخصی خود تجزیه نموده و به گونه خود سرانه (استحسانی) مطرح کرده که آیات خاصی کنار گذاشته شده بودند در حالی که آیات دیگری که قرار بود کنار گذاشته شوند، حفظ و نگهداری گردیدند. او البته بصورت قاطعانه بحث کرده که واحدهای اصلی وحی آیاتی کوتاه و پراکنده بوده اند که پیامبر خود آنها را در داخل سوره ها جمع نمودند و این که در فرایند تدوین قرآن که توسط کاتبان وحی در طی دوران حیات پیامبر در مدینه به اجرا درآمد، اسناد و مدارک مکتوب اعمال گردید. "بل" با

در نظر گرفتن تدوین قرآن در طی حیات پیامبر، نقطه آغازین قرآن بعنوان متن مقدس را به زمان جنگ بدر مربوط می‌داند. برای "بل" این واقعه نقطه عطف بشمار می‌آید در حالی که مسأله هجرت، بعنوان یک معیار تفکیک در ساختار طبقه بندی سوره ها محسوب نمی‌شود.

هیچ یک از این نظام های ترتیب تاریخ گذاری آیات و سور قرآنی مورد پذیرش قرار نگرفتند. نظام تئودورنولدکه و اصلاحات آن یک حساب سرانگشتی [یا قاعده تجربی] را برای ترتیب تقریبی سوره ها در چینش زمانمند آن ها فراهم آورد.

فرضیه "بل" این بود که جمع نهایی قرآن فرایند پیچیده ای از اصلاحات پیاپی ای بود که نسبت به مطالب اولیه اعم از شفاهی و یا آنچه که به شکل مکتوب در مرحله نخست در دسترس بوده اند، انجام گرفته بود. پژوهش قرآنی غرب به طرق مختلف، دورکن را تثبیت نمود که بر اساس آنها دیدگاه های سنتی مسلمانان راجع به تاریخ گذاری قرآن پایه گذاری شده بود. اول اینکه نزول قرآن به صورت تدریجی و پراکنده بوده و رکن یا اصل دوم این بود که جمع قرآن به صورت کتاب بر پایه دو گونه مدارک انجام پذیرفت: یکی اسناد و مدارک مکتوب که توسط کاتبان وحی و به املاي پیامبر فراهم آمده بود و دیگر آن آیات قرآنی بود که در حافظه جمعی حلقه صحابیان وجود داشت تمام شیوه های تحلیلی تاریخ گذاری اعم از سنتی اسلامی یا شیوه جدید غرب بر این اصل اتفاق نظر دارند که ترتیب سوره ها در اعلام پیامبر با آنچه که الان در قرآن مکتوب می‌یابیم متفاوت می‌باشد زیرا در قرآن کنونی سوره ها بطور کلی براساس اصل کاهش طول و اندازه سوره ها تنظیم شده اند.

یکی از نتایج طبقه بندی سوره ها در جریان تاریخ گذاری، توجهی بود که نسبت به اولین و آخرین واحدهای نزول قرآن اعمال گردید. این مطلب اجماعی است که اولین آیات نازل بر پیامبر آیات اول تا پنجم سوره "علق" یا آیات اول تا هفتم سوره "مدثر" بوده که پیامبر تلاوت نموده است. بطور خاص، آیات اول تا پنجم سوره "علق" که شامل فرمان "اقرأ" بوده از همان ریشه عربی گرفته شده که واژه "قرآن" از آن مشتق شده است و همچنین آیات اول تا هفتم سوره "مدثر" که احتمالاً اشاره به از خواب برخاستن پیامبر در هنگام شب دارد به ویژه اگر به موازات آیات اول تا پنجم سوره "مزل" در نظر گرفته شود، در منابع روایی مربوط به بعثت پیامبر، شناخته شده اند. این دعوت به نبوت، طبق روایات اسلامی در خلال شب قدر واقع شده که توأم با آغاز نزول قرآن بوده است که نوعاً آن را مصادف با روز بیست و هفتم ماه مبارک دانسته اند. همانگونه که باید انتظار داشت، آخرین سوره های قرآن در میان سوره های مدنی جستجو شده و پژوهش اسلامی آن را سوره های مائده، توبه یا نصر دانسته است. برخی به آیه 278 یا 281 سوره بقره یا آیه 174 سوره "نساء" به عنوان آخرین آیه نازل اشاره کرده اند. در حالی که از نظر دیگران آیات 128 و 129 سوره توبه آخرین آیاتی بوده است که در طی جمع آوری مطالب قرآنی به شکل کتاب، یافت شده است. البته مناسب ترین آیه ای را که می‌توان به عنوان آخرین آیه نازل به شمار آورد آیه سوم سوره مائده است که در تأیید پیامبر نازل شده: "الیوم اکملت لکم دینکم" و بیشترین نقطه توافق پژوهشگران غربی با پژوهش گران مسلمان در مورد همین آیه است.

نشانه های موضوعی تاریخ گذاری قرآن

تاریخ گذاری قرآن همچنین از طریق طرح مباحث درونی قرآن روشن می‌گردد که چهار موضوع از آنها می‌تواند مورد تحلیل قرار گیرد: حروف مقطعه، نمازهای یومیه، نام خداوند و شخصیت ابراهیم. از دیدگاه سبک شناسی، یک پدیده خاص و برجسته قرآنی در ارتباط با مسائل تاریخ گذاری، همان حروف به اصطلاح اسرارانگیز یا حروف

مقطعه ای است که بلا فاصله پس از "بسمله" عبارت آغازین "بسم الله الرحمن الرحيم" در 29 سوره قرآن به کار رفته اند. منابع اسلامی که حروف مقطعه را جزء لاینفک وحی قرآنی شمرده اند برغم آنکه توضیحات مختلفی درباره این حروف داده اند، هیچ معنای واقعی و معینی برای آنها ذکر نکرده اند. بسیاری از عالمان مسلمان و پژوهش گران غربی تلاش نمودند که نقش این حروف را در قرآن تفسیر کنند، لیکن هیچ تفسیر رضایت بخشی در میان آنها یافت نمی شود. برخی از آن تفاسیر عبارتند از: این حروف بیانگر علائم اختصاری اسماء الهی هستند؛ حرف اول نام افرادی است که در تدوین قرآن، صاحب صحیفه ای خاص بودند، بیانگر حروف الفبای عربی یا تنها حروف اسرارآمیزی هستند که مفهوم آنها را جز خداوند نمی داند. البته سه عامل اساسی می تواند در راستای تفسیر تاریخمند نقش این حروف در قرآن مؤثر باشد.

1. حروف مقطعه در آغاز بیست و نه سوره قرآن مربوط به سور اواخر مکه و اوایل مدینه هستند این حروف گاهی تنها ذکر می شوند و گاهی در یک دسته دو تائی تا پنج تائی برخی از این حروف تنها یکبار و برخی دیگر از آنها در آغاز دو یا پنج یا شش سوره به کار رفته اند.

2. این حروف به لحاظ قرائت، به طور مجزا از هم، همچون نام حروف الفبا تلفظ می شوند. و منابع مربوط به قرائت مختلفه قرآن، هیچ اختلافی راجع به قرائت این حروف مطرح نکرده اند.

3. آنها بیانگر هر شکل صامت (بدون اعراب) الفبای عربی در رسم الخط کوفی (نخستین رسم الخط عربی) یعنی چهارده شکل هستند و هیچ شکلی برای بیش از یک حرف الفبائی به کار نرفته است. بر اساس این عوامل ثابت، می توان گفت که حروف مقطعه با نوعی از ترتیب سوره ها ارتباط دارد یعنی کاربرد حروف الفبای عربی در زمانی بوده است که پیامبر سوره ها را به منظور اهداف دینی و دعائی جمع نموده و نخستین گام ها را در جهت انجام متنی مکتوب برداشته است. این توجیه نسبتاً کلی راجع به حروف مقطعه در پیدایش تاریخمند متن قرآن می تواند از طریق این واقعیت تأیید شود که برخی از سوره های خاصی که مصدر به حروف مقطعه ای از قبیل "الم"، "الر"، "حم" و "طسم" شده اند در ترتیب کنونی قرآن در کنار هم قرار گرفته اند با آنکه در مواردی طول آنها کاملاً متفاوت است و واقعیت دیگر اینکه تقریباً پس از همه موارد حروف مقطعه، به گونه صریح و گاهی ضمنی به نزول وحی به عنوان قرآن یا کتاب مبین اشاره شده است.

از آنجا که حروف مقطعه تنها در آغاز سوره ها به کار رفته و هیچگاه در داخل سوره به کار نرفته تا نوعی بریدگی در سبک یا سجع یا متن را ایجاد کند، معلوم می گردد که آنها متعلق به نخستین مرحله تدوین توسط خود پیامبر بوده اند به جای آنکه مربوط به نخستین ابلاغ آیات قرآن یا آخرین جمع نهایی قرآن پس از رحلت آن حضرت باشند.

این نظریه که حروف مقطعه پس از رحلت پیامبر به قرآن اضافه شده باشند، مستلزم این پیش فرض است که درج پراکنده این حروف در متن نهایی قرآن توسط شخصی (پس از اتمام نزول قرآن) صورت گرفته باشد. چنین تبیین کلی مؤید این دیدگاه است که (حضرت) محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] مؤلف حروف مقطعه بوده و آنها را خود به آغاز سوره ها ضمیمه کرده و اینکه او از مدتها قبل با همکاری کاتبان در صدد فراهم آوردن متن مقدس خود برآمده و آیاتی را که از محتوایی یکسان برخوردار بوده اند در سوره هایی خاص قرار داده است. برخی از این گونه آیات، آنهایی بوده اند که به عنوان واحد دینی یا دعایی مطرح شده و نشانه آنها همراهی با کاربرد حروف مقطعه بوده و تدوین کنندگان نهائی قرآن خود را ملزم به رعایت آن یافته اند.

پدیده دیگری که از عوامل مهم تاریخ گذاری به شمار می آید، موضوع پیدایش احکام محوری دینی مانند نمازهای

یومیه است که توسط پیامبر تشریح گردید. تشریح نمازهای یومیه نمی تواند (به لحاظ تاریخی) به نخستین مرحله ابلاغ قرآن بوسیله پیامبر متعلق باشد چرا که در آن زمان ریشه "صلی" در اشاره به عمل ذبح حیوانات از سوی قبایل به کار می رفته است (سوره کوثر آیه 2) و در ارتباط با عبادات مشرکان مکه (سوره ماعون آیات 4 تا 7). در این مرحله، تلاوت قرآن هنوز در نمازها بکار نمی رفته بلکه به کار ترکیب بندی آیات قرآن توسط پیامبر مربوط می شود. (سوره مزمل آیات اول تا سوم). مدتی بعد در حدود اواسط ابلاغ قرآن در دوران مکه [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]، تهجد و شب زنده داری را آغاز نمود در حالی که پیش از شروع نماز آیاتی از قرآن را نیز تلاوت می کرد (سوره اسراء آیات 78 و 79، سوره فرقان آیه 64 و سوره ذاریات آیات 17 تا 18) و این کار را هم در روز و هم در شب انجام می داد (سوره انسان آیه 25 تا 26 و سوره طور آیات 48 تا 49).

ابتدا، حضرت محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] تنها مأمور به اقامه نماز شد (سوره اسراء آیه 110 و سوره طه آیه 130) سپس براساس آیه 132 سوره طه آشکارا دعوت می شود که اقوام یا پیروانش (أهلک) را به اقامه نماز همراه خودش فرمان دهد و این که با کسانی که خدا را صبح و شام می خوانند استقامت بخرج دهد (سوره کهف آیه 28) یا آنکه در نماز شب به سجده و کرنش مشغول شوند (سوره زمر آیه 9) در خلال این مرحله، پیامبر صلی الله علیه و آله همچنین به نمونه های برجسته قرآنی نماز ابراهیم، موسی و زکریا توجه نموده و به عیسی بنده خدا به عنوان پیامبری که مأمور به اقامه صلوة شده، اشاره می کند و شاید در حدود اواخر دوران مکه (از ابلاغ قرآن) بوده که محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] به تنهایی دوباره مأمور می گردد که نماز را در سه وعده مختلف یعنی صبح، غروب و نیز در خلال شب بپا دارد.

به پیروان او هم توصیه می گردد که در این عمل به او تأسی نمایند که شامل تلاوت قرآن و سجده در نماز نیز بوده است (سوره اعراف آیات 204 تا 206). تکامل نمازهای یومیه می تواند به مجموعه واژگان قرآنی متنوع و دارای نوسان برگردد که در اواخر مکه و اوایل مدینه برای اوقات نماز بکار می رفته است: در صبح: در هنگام فجر و پیش از طلوع آفتاب، در عصر (هنگام زوال روز و پیش از غروب خورشید) و در هنگام شب (زلفاً من اللیل) پس از هجرت، تاریخ گذاری قرآن اثبات می کند که "صلوة" به صورت حکمی متقن برای مسلمانان در اقامه نمازهای انفرادی و جماعت در می آید. به موضوع "نماز" (که نوعاً به شکل مفرد) بصورت مکرر در سور مدنی اشاراتی شده است) 33 بار در سوره های بقره، نساء، مائده، توبه و 24 بار به تنهایی، این اشارات ارائه دهنده نیمی از مجموع کاربردهای این واژه در کل قرآن می باشد) و هم اکنون بطور مکرر آن را در کنار حکم همتایش یعنی "زکات" می یابیم که تحول آن می تواند به عمل پرداخت خیرات تبرعی گرفته تا تکلیف اجتماعی آن یعنی صدقات واجبه برگردد. اشاره مکرر به تکلیف شرعی انجام نماز با حکم مؤکد رعایت جهت قبله در هنگام نماز توأم گردیده است. ابتدا فریضه نماز به سمت بیت المقدس همچون مراسم قبله ای یهودیان و مسیحیان انجام می گرفته ولی سپس با یک دستور قرآنی (آیات 142 تا 152 سوره بقره) جهت قبله به سمت کعبه تغییر یافته است.

این آیات خاص اوایل مدینه از طریق پیامبر در حدود زمان جنگ بدر در سال دوم هجری قمری (624 میلادی) ابلاغ گردید گرچه این آیات در واقع یک فرایند تدریجی از تغییر در تشریع نماز و تثبیت قبله را نشان می دهند. بعلاوه در مدینه اوقات مخصوص نماز آن گونه که هم اکنون به صورت روزمره بجا آورده می شود تعیین گردید و حکم آن به صورت جمع، چنین تعبیر شد: "أَقِمْوا الصَّلَاةَ" یعنی نماز را راست برپا دارید (مقایسه کنید با آیه 102 سوره نساء) و شامل تلاوت قرآن نیز گردید (سوره اعراف آیات 204 و 205).

سرانجام آیه مدنی 238 سوره بقره قاطعانه حکم نماز نیمروز (الصلاة الوسطی) را تثبیت می کند که احتمالاً قبلاً

در اواخر زندگی پیامبر در مکه تشریع شده بود هنگامی که پیروانش را به تسبیح پروردگار در صبح و عصر و وسط روز (حین تظہرون، سوره ص آیات 17 و 18) فراخواند. از این هنگام بود که نماز بر مؤمنان در اوقاتی ثابت (کتاباً موقوتاً) و اقامه نماز هفتگی جمعه در روزی که روز تجارت مدینه محسوب می شد (یوم الجمعة) فرض گردید. مؤمنان به اقامه نماز فراخوانده شدند (سوره مائده آیه 58 و سوره جمعه آیه 9) و حکم طهارت قبل از نماز (وضو یا غسل) و در صورت فقدان آب یا در حال سفر بودن، حکم تیمم با خاک (سوره نساء آیه 43 و سوره مائده آیه 6) تشریع شد.

تعیین تاریخ مراحل کاربرد نام خاص پروردگار در قرآن که اساساً بر "الله" و "رب" و "رحمان" تکیه دارد، دشوارتر می باشد. البته سرانجام نام "الله" را به عنوان نام خاص قطعی و برگزیده شده اسلام در طول قرون تثبیت می کند. در ضمن آنچه که سنت اسلامی به عنوان نخستین آیات وحی قرآنی تعیین می کند، پیامبر مأمور می شود که به نام پروردگار (ربک) سخن بگوید. واژه "رب" در کاربرد غیرمادی خود هرگز در قرآن با حرف تعریف بکار نرفته بلکه در عوض با یک ضمیر شخصی استعمال شده که کاربرد آن برای اهالی مکه از دوران پیش از اسلام آشنا بوده است. این واژه با تعبیر پروردگار این خانه (رب هذا البيت) یعنی خانه کعبه در مکه ذکر گردیده است (سوره قریش آیه 3). و در دوران نخست مکه بسیار زیاد استعمال شده است مانند "سبح اسم ربک الأعلى" ولی در دوره دوم و سوم مکه کمتر دیده می شود مانند سخن کفرآمیز فرعون: "أنا ربکم الأعلى" و در آیات مدنی بندرت بکار رفته است. برعکس، واژه "الله" برای اهالی مکه بعنوان اسم خاص خداوند پیش از [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] شناخته شده بود و آن را در اشعار و اسامی اشخاص بکار می بردند. به احتمال بسیار زیاد این واژه مخفی "ألله" است که هرگز با الف و لام در قرآن بکار نرفته گرچه بصورت مضاف استعمال گردیده است تا دلالت بر معبود مردم داشته باشد مانند "إله الناس" که مترادف با "رب الناس" می باشد. واژه "الله" در دوران نخست مکه خیلی کم بکار رفته ولی در دوران دوم و سوم مکه استعمال آن زیاد شده و سرانجام به قدری رایج گردیده که بنظر می رسد بطور متوسط در هر پنج آیه از سور مدنی بکار رفته است. واژه "الرحمن" احتمالاً از کاربرد آن در قسمت های جنوبی و مرکزی عربستان گرفته شده و در زمره مجموعه واژگان قرآنی بنحو مؤکد و مخصوص "خدا" در دوره دوم مکه راه یافته است و سپس بطور کامل جایگزین مفهوم "الله" شده گرچه در تعبیر کلی آغازین هر سوره یعنی "بسم الله الرحمن الرحيم" (که فقط در آغاز سوره توبه استعمال نشده) نسبت به واژه "الله" جنبه فرعی [وصفی] پیدا کرده است.

مرحله مهم انتقال به حوزه کثیرالاستعمال واژه "الله" را می توان قبل از دوران موسی ردیابی نمود، موقعی که خداوند یگانگی خود را اعلام نموده "أنا ربکم" (سوره 20 آیه 24) که بلافاصله نام "الله" با حرف تأکید "أن" پس از آن به کار رفته است: "أُنْی أَن الله" (سوره طه آیه 14) در آیه ای که متعلق به دوران دوم مکه می باشد. این آیه به لحاظ تاریخ گذاری متأخرتر از آیه ای است که فرعون سخن کفرآمیز خود را گفت: "أنا ربکم الأعلى" (سوره نازعات آیه 24) پس از آیه دوازدهم سوره طه کاربرد "رب" به نحو قابل توجهی کاهش می یابد درحالیکه تعبیری چون "لا اله الا أنا" در آیات اواخر مکه (مانند آیه دوم سوره نحل و آیه 14 سوره طه آیه 25 سوره انبیاء) و "لا إله إلا هو" در آیات 70 و 80 سوره قصص و بطور فراوان در آیات مدنی (سوره بقره آیه 163 و 255، سوره آل عمران آیه 6 و 18) بکار رفته است. از آنجا که واژه "رب" در مورد انواع الهه عربستان ما قبل اسلام بکار می رفته کاربرد آن برای "الله" که در پیام [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] بار توحیدی کامل داشته از مناسبت کمتری برخوردار بوده است. علت اینکه واژه "الله" در سوره های اوایل مکه کاربرد اندکی داشته، شاید این باشد که پیامبر از اطلاق

نامی که برای خدا (به عنوان اسم خاص) مشترک با کاربرد تعبیر مشرکان باشد اکراه داشته است: زیرا عرب های پیش از اسلام سوگندهای شدیدی به نام "الله" می خوردند و "الله" را بعنوان آفریدگار و پدیدآورنده اصلی می پرستیدند از سوی دیگر با خدای مورد ادعای جنیان قرابت و شباهت داشته است و نیز با خدایان فرعی مانند عزی، منات و لات که آنها را دختران خدا می دانستند و نمونه های مشابه گمنام دیگری را پسران او می پنداشتند رابطه داشته است ("خرقوا له بنین و بنات" سوره انعام آیه 100) با توجه به این که میزان تعبیر قرآنی بکار رفته در مورد خدا که آمارش به هزاران مورد می رسد، بسیار زیاد است لذا ایجاد خط یا قوسی دقیق برای تعیین تاریخ نزول آنها بسیار دشوار است. با وجود این، دلیل درونی متقنی که قرآن در این باره ارائه نموده این است که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] از یک تجربه شخصی شدید راجع به خدایی که به او به عنوان پروردگار من "ربی" خطاب می کرد به برداشت دیگری به عنوان یگانه خدا که در پیام او بصورت "لااله الا الله" مطرح شده و صفات و القاب متعددی نیز در قرآن برای او اطلاق گردید، منتقل شده است.

شخصیت ابراهیم نیز که تاریخ او به صورت مفصل در بیست و پنج سوره قرآن مطرح شده، معیار مهمی را برای تاریخگذاری درون قرآنی فراهم می آورد. در دوران نخست مکه از صحف ابراهیم به عنوان متون مقدس از پیش نازل شده و از خود ابراهیم به عنوان پیامبری برجسته در کنار موسی نام برده شده است (آیات 18 و 19 از سوره اعلی). در دوران دوم و سوم مکه، ابراهیم به صورت "پیامبری که سخن راست می گوید" (صدیقاً نبیاً؛ سوره مریم آیه 41) و به صورت مفصل تری به عنوان "موحد ثابت قدمی که به بت پرستی پدر و قومش حمله ور می گردد" معرفی شده است (سوره صافات آیات 83 تا 98، سوره شعراء آیات 69 تا 89، سوره مریم آیات 41 تا 50، سوره زخرف آیات 26 تا 28، سوره انبیاء آیات 51 تا 73، سوره عنکبوت آیات 16 تا 27، سوره انعام آیات 74 تا 84؛ و نیز بنگرید به مدخل "بت پرستی و بت پرستان، و مدخل "شک و الحاد"). در کنار تفصیل متعدد دیگری (همچون رهایی ابراهیم از آتش و شفاعت او برای پدر بت پرستش) همان دوران ها همچنین از مردانی یاد می کند که با ابراهیم دیدار کرده و خبر کیفر حتمی قوم لوط را اعلام نمودند (سوره ذاریات آیات 24 تا 34، سوره حجر آیات 51 تا 60، سوره هود آیات 69 تا 76 و سوره عنکبوت آیات 31 و 32). آنها همچنین اشاره دارند به اقدام قریب الوقوع ابراهیم نسبت به ذبح فرزندش که از آیات 100 تا 111 سوره صافات و بر اساس آیات 112 و 113 سوره صافات و به صورت غیر مستقیم از آیه 28 سوره ذاریات و آیه 53 سوره حجر فهمیده می شود که اسحاق بوده است.

در سور مدنی آمده است که ابراهیم با کمک اسماعیل کعبه را در مکه به عنوان جایگاه اعتقاد خالص توحیدی و مرکز زیارت بنا می کند (آیات 124 تا 141 سوره بقره، 65 تا 68 سوره آل عمران، 95 تا 97 همان سوره، آیات 26 تا 29 و آیه 78 سوره حج). از آنجا که ابراهیم بصورتی مؤکد، موحد حقیقی (حنیف) خوانده شده که هیچ گونه وابستگی به بت پرستان نداشته (سوره بقره آیه 135، سوره آل عمران آیه 67، سوره نساء آیه 125، سوره حج آیات 31 و 78) و یک بار به عنوان دوست خدا (خلیل: سوره نساء آیه 125) ذکر شده لذا الگوی نخستین برای [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] که دین را دین ابراهیمی (ملة ابراهیم) اعلام کرده، معین می گردد.

ویژگی های مهم شخصیت [حضرت] ابراهیم در قصه قرآنی، موضوع بسیاری از پژوهش های عالمانه شده است مانند این آثار: (Me Kkaansche feest) تألیف "اسنوک هورگروینه"، (محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] و یهود) تألیف "ای. جی. ونسینک"، (ابراهیم) تألیف یوسف مبارک، و آخرین تحقیق (مسافرتها) تألیف "رونالد فایرستون". این پژوهش گران تأکید زیادی بر تفسیر مجدد ابراهیم در سور مدنی که در آنها قطع رابطه [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] با قبایل یهود مدینه اعلام شده، نموده اند.

توجه دوباره [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] صلی الله علیه و آله و سلم به مکه که از طریق تغییر جهت قبله از بیت المقدس به کعبه حاصل شد وقفه یا خلل مهمی در تفسیر ابراهیم و در مفاد پیام قرآنی به لحاظ تاریخ گذاری ایجاد می نماید.

آنچه که به خصوص در مورد تاریخ گذاری آیات مکی می تواند مورد تأکید قرار گیرد به عنوان حقیقتی قطعی در کتاب (Die Gestalt des Abraham) تألیف "ای پک" مورد بررسی قرار گرفته است. براساس نظر آقای "پک"، ابراهیم از قبل در آیات مکی پیش از مسأله همکاری او با اسماعیل، در ارتباط با مکه شناخته شده بود و [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] برداشت خود از تعبیر "ملة ابراهیم" را لاقلاً قبل از مکه پیش از قطع رابطه اش با یهودیان مدینه، به وجود آورده بود. در این دیدگاه، برخی از اظهارات آقای "جی. لولینگ" درباره دین ابراهیمی [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] (که ابعاد جنجال برانگیز و تند آن در کتاب "Wiederentdeckung" پیراسته گردیده) بررسی اساسی تری را در مورد این مسئله می طلبد که آیا [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] شناخت مستقل و روشنی از گرایشات مربوط به یونان باستان و یهودی - مسیحی داشته است که موجب تمایل او به سنت ابراهیمی عرب پیش از اسلام شده باشد و در نتیجه قرابت زیادتری را نسبت به سنت ابراهیمی باعث شده و موجبات طرد الگوی عبادت یهودی - مسیحی را فراهم ساخته باشد؟!

این چهار نمونه از رویکردهای مفصل نسبت به تاریخ گذاری درون قرآنی که مبتنی و متمرکز بر موضوعاتی محوری می باشد یعنی پدیده ادبی حروف مقطعه، تشریع نمازهای یومیه، طرح نام خاص خداوند در قرآن، و نقل شخصیت پیامبرانه [حضرت] ابراهیم و دین او می تواند راههایی را برای تکمیل رویکرد معیاری تاریخ گذاری مبتنی بر شیوه چهار طبقه ای که "تئودورنولدکه" مبدع آن بود یا فرضیه سه مرحله ای که "بل" دفاع نمود، بگشاید. معیارهای چنین رویکردهای درون قرآنی، مورد به مورد و محدود به میزان قابل توجهی از بررسی آیات، می تواند نسبت به فراهم آوردن چارچوبی معین و حدسی برای مسأله تاریخ گذاری کل قرآن کمک نماید. 19

تدوین قرآن

همان گونه که قبلاً ذکر شد، این واقعیتی مشهور است که در قرآن مدون یعنی آنچه که سرانجام به عنوان کتاب مقدس اسلام فراهم آمد، سوره ها نوعاً بر حسب کاهش طول تنظیم یافتند.

این ترتیب، در جمع نهایی متن مکتوب قرآن که سال ها پس از رحلت پیامبر در سال یازدهم هجری یا 632 میلادی به تدوین رسمی خود نایل آمد، صورت پذیرفت. این فرایند تدوین نهایی و جمع رسمی نمایانگر تاریخ متن قرآن از آخرین ابلاغ قرآنی [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] است که بطور خلاصه [می توان گفت] از پیش از رحلت او آغاز شده و تا زمان پیدایش نص مصوت [دارای اعراب] قرآن در قرن چهارم طول کشیده است. این تاریخ متن [مقدس]، قرآن را از دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله به دوران حیات امت اسلامی و از مؤلف اصلی تاریخی پیام های قرآنی به تدوین کنندگان اصلی انتقال می دهد یعنی آن کسانی که قرآن کنونی موجود در دست ما را به صورت نسخه ای مکتوب و نهایی پدید آوردند.

بخاطر همین ماهیت است که تاریخ این فرایند بمنزله میدان مینی است مملو از دشواری های تاریخ گذاری که بطور عمیق ریشه در ادله و شواهد بسیار پیچیده و متناقض در سنت اسلامی بویژه در حدیث دارد. پس از رحلت پیامبر، امت اسلامی با سه وظیفه مهم در ارتباط با پدید آوردن قرآن به صورت متن مقدس رسمی

روبرو گردید:

1. لازم بود متن را از منابع شفاهی و مکتوب گردآوری کند.
2. ساختار متن عربی بدون اعراب را پدیدار سازد.
3. آن را به صورت متنی کاملاً مصوت [قابل قرائت] درآورد که به تدریج به عنوان معیار رسمی مورد پذیرش همگان قرار گیرد.

دیدگاه سنتی، تکمیل و به ثمر رسیدن این اهداف سه گانه را در ظرف سه قرن دانسته و تاریخ متن قرآن را وارد یک چارچوب اساسی کرده (یعنی آن اعتراضات مهمی که در جلد دوم و سوم تاریخ قرآن بازنگری شده نولد که مورد بررسی قرار گرفته اند). این چارچوب مبتنی بر چند فرض است: اینکه پیامبر، متن مکتوبی از قرآن ارائه نداد و اینکه قرآن عمدتاً به صورت شفاهی در اذهان شمار قابل توجهی از شنوندگان مستقیم پیامبر و نیز براساس حجم محدودی از متن نگارش یافته توسط کاتبان در طی دوران زندگی آن حضرت ثبت گردید. گروهی از صحابه به رهبری زید بن ثابت که خود پیامبر او را به عنوان کاتب وحی در مدینه گماشت، به گردآوری و تنظیم مطالب قرآنی مکتوب و شفاهی در قالب متنی کامل و غیر مصوت در خلال نیمه دوم زمان خلافت عثمان پرداختند. متن نهایی کاملاً مصوت قرآن در نیمه اول قرن چهارم یا دهم پس از مطرح شدن انواع قرائات مختلفه (هفت یا ده یا چهارده نوع قرائت) که اختلافات کمتری را در نحوه قرائت نشان می دادند و بتدریج قابل تحمل و پذیرش همگانی قرار گرفتند، تدوین و فراهم آمد. البته علاوه بر این قرائات مختلفه پذیرفته شده، هزاران اختلاف قرائات نیز درباره متن قرآن در منابع اسلامی اعم از تفاسیر قرآن و روایی ثبت گردیدند که بسیاری از آنها را می توان در نسخه های خطی کامل و ناقص قرآنی موجود در کتابخانه های سراسر جهان مشاهده نمود. (بنگرید به "مصحف قرآن").

پذیرش آنچه که در شماری از گزارشات اولیه مطرح شده، بعید به نظر می رسد مبنی بر اینکه نخستین جمع قرآن در طی دوران کوتاه خلیفه نخست (ابوبکر) با تحریک عمر صورت پذیرفته باشد. گفته شده که عمر نسبت به اصالت نقل متن قرآنی در اثر کشته شدن رزمندگان اسلام در جنگ یمامه احساس خطر کرده بود چرا که تعداد قابل توجهی از آنان حافظ قرآن بودند. بر اساس این حکایت، ابو بکر پس از اندکی درنگ و تأمل به خاطر ترس از تعدی نمودن از سنت رسول الله صلی الله علیه وآله، سرانجام به زید بن ثابت دستور داد که همه پاره های قرآنی که روی برگهای درخت خرما یا لوح های سفالین یا سنگهای مسطح نوشته شده بودند و یا در اذهان افراد موجود بودند را روی صحیفه هایی یکسان بنگارد. این صحیفه های مکتوب در طی خلافت عمر در اختیار او قرار گرفت و پس از فوت عمر به دخترش حفصه که از همسران پیامبر بود، به ارث رسید. یک گزارش نیز پیدایش نخستین مصحف مدون قرآن را به عمر نسبت می دهد درحالیکه گزارش دیگر، این ادعا را رد می کند با این استدلال که عمر چندان عمری نکرد که بتواند چنین متنی را ببیند. صحت و اصالت چنین نقل ها و گزارشاتی که جمع قرآن را به دوران خلافت عمر و ابوبکر نسبت داده اند مورد تردید و مخالفت قرار گرفته است زیرا تنها دو نفر از کشته شدگان جنگ یمامه جزو قاریان حافظ قرآن بودند و هدف چنین گزارشاتی این بوده که نقش گسترده عثمان در فراهم آوردن نص رسمی را عمداً نادیده گرفته و نیز نقش پیامبر در ایجاد متن و کار نگارش قرآن در زمان حیات آن حضرت را کم اهمیت جلوه دهند.

قابل قبول ترین گزارش روایی تاریخ قرآن، تدوین نهایی متن غیر مصوت را مربوط به زمان خلافت عثمان یعنی تقریباً بیست سال پس از رحلت پیامبر می داند. بر اساس این گزارش، سبب و مناسبت جمع نهایی قرآن، لشکر

کشی به آذربایجان و ارمنستان به فرمان دهی حذیفه بوده که ظاهراً سربازان مسلمان او از شام و عراق در مورد نحوه قرائت صحیح آیات قرآن در نمازهای جماعت دچار اختلاف و درگیری شدند. عثمان به منظور حلّ این مشکل، هیأتی را متشکل از چهار نفر از برجستگان مکه با نظارت زیدبن ثابت مأمور کرد که نسخه هایی از روی مصحف شخصی حفصه استنساخ کنند و هر جا که با اختلاف قرائت مواجه شدند فقط لهجه قریش را برگزینند. هنگامیکه این مأموریت به اتمام رسید، عثمان یک نسخه را در مدینه نگاه داشت و بقیه را به کوفه و بصره و دمشق فرستاد. و سپس دستور داد که تمام نسخه های موجود دیگر (سایر مصاحف) نابود گردد. البته فرمان او از سوی ابن مسعود و پیروانش در کوفه سرپیچی شد. مشکلات چنین گزارشی در چند نکته اساسی خلاصه می گردد: تردید وجود دارد که صرفاً مسأله صحت قرائت قرآن در خلال فتوحات اولیه اسلام موجب ناآرامی مهمی شده باشد. دیدگاه قابل قبول این است که قرآن به حسب واقع مختص به لهجه قریش نیست و دیگر اینکه بعید به نظر می رسد که خلیفه فرمان از بین بردن تمام مصاحف قرآنی از پیش موجود را صادر کرده باشد. بعلاوه، مطرح نمودن نام حفصه در این حکایت احتمالاً بخاطر این بوده که فقط نقش ابزاری را برای ایجاد پیوند و اتصال بین نسخه های عمر و ابوبکر و عثمان بازی کند و سلسله متصلی از حلقه متن معتبری را فراهم آورد که بطور گسترده ای مورد بی توجهی و غفلت امت قرار گرفته است. برغم وجود چنین اشکالاتی در این گزارش مربوط به تاریخ گذاری جمع قرآن، اکثر پژوهش گران پذیرفته اند که متن رسمی غیر مصوت قرآن در زمان خلافت عثمان پیدایش یافت و اینکه زیدبن ثابت نقش مهمی در اجرای آن ایفا نمود. به منظور دریافت تصویری روشن تر از تدوین متن غیر مصوت رسمی قرآن، باید امکان عواملی چند را در نظر گرفت از جمله آنها عبارتند از:

1. این که خود پیامبر، کار پدید آوردن نسخه مکتوبی از قرآن را بی آنکه آن را تکمیل سازد، آغاز نموده بود.
2. این که در خلال دو دهه اول پس از رحلت پیامبر، جامعه اسلامی بر محور کشورگشائی و فتوحات متمرکز بود بجای آنکه به تعیین نصی رسمی از قرآن بپردازد.
3. این که ضرورت یا نیاز به نصّ معتبر قرآن، پس از آنکه جوامع محلی مسلمان در شهرهای پشتیبانی (أنصار) مانند کوفه، بصره و دمشق تازه تشکل می یافتند، خود را نمایان ساخت.
4. این که مصحف عثمانی که به ریاست زیدبن ثابت در مدینه پدید آمد، بایستی آن را با پدیده مشابه مصاحف دیگری ملاحظه نمود که دارای اختلافات متنی هستند و گفته شده که همه آن مصاحف در دوران حیات پیامبر صلی الله علیه وآله پدید آمدند: مصحف منسوب به عبدالله بن مسعود (پذیرفته شده در کوفه)، مصحف منسوب به ابی بن کعب (پذیرفته شده در شام) مصحف منسوب به أبوموسیٰ أشعری (پذیرفته شده در بصره) و نیز سایر مصاحف اولیه اشخاص. همچنین در منابع اولیه نقل شده که علی بن ابی طالب (پسر عمو و داماد پیامبر) نخستین کسی بوده که به جمع قرآن پس از رحلت پیامبر اقدام نموده است. بنابر برخی گزارشات، او سوره ها را بر اساس تاریخ نزولشان تنظیم نموده و هنگامی که مصحف عثمانی انتشار رسمی یافت او [علی علیه السلام] اجازه داد که مصحفش سوزانده شود. 20

هنگامی که ایجاد متن غیر مصوتی از قرآن (مصحف عثمانی) با مسئله وجود مصاحف دیگر شخصی یا مرکزی آمیخته شده بود، انتشار رسمی متن کاملاً مصوت با مشکل قرائات مختلفه قرآن درگیری داشت. از آنجا که مصحف عثمانی بصورت رسم الخط ناقص نوشته شده بود یعنی فقط متشکل از کلمات و عاری از حرکات و علائم تفکیک دهنده بین حروف بی صدا بود از این رو تلاوت نیازمند تعیین تلفظ صحیح آیات گردید. در حالی که املای صحیح قرآن در طول بیش از دو قرن بتدریج بهبود یافت و ارتباط و پیوستگی بین متن غیر مصوت و مسأله

تلاوت معین گردید، اشکالات و نواقص رسم الخط عربی نیز به تدریج روشن شد. اختلاف قرائات در حد گسترده ای خاتمه یافت یا آن که منسجم گردید و متن مکتوب بصورت فزاینده (روز افزون) از وابستگی به تلفظ و قرائت شفاهی استقلال یافت. این فرایند با پیدایش رسم الخط کامل قرآن (دارای اعراب و نشانه) به اوج و کمال خود رسید.

این متن را می توان متنی قابل قبول و بدون اختلاف بشمار آورد با این قید که تا آن زمان هیچ نمونه متن معیز و روشنی برای قرآن که از مقبولیت همگانی برخوردار باشد پدید نیامده بود. و در عوض، متن نهایی و کاملاً مصوت قرآن که بعنوان متنی معیار و رسمی شناخته شد را می توان حاصل دستاورد کار ابوبکر بن مجاهد (م. 324 ه) دانست. بخاطر اینکه تلاوت قرآن را بر اساس حدیث معروف "أحرف سبعة" منحصر در هفت قرائت نمود. او قرائت هفت تن از عالمان برجسته قرآنی در قرن دوم یا هشتم را پذیرفت و اعلام نمود که همه آنها واجد اعتبار و حجیت الهی هستند. در سال 322 ه. ق. یا 934 میلادی، نسخه ای که عباسیان رسماً انتشار دادند این نظریه را اعلام نمودند که تنها همین هفت قرائت، شکل های اصلی قرائت قرآن هستند و سایر قرائات، ممنوع می باشند. با وجود این، سه قرائت پس از هفت شیوه و چهار قرائت پس از ده شیوه مدتی بعد افزوده شد و بترتیب، ده یا چهارده قرائت مطرح گردید. سرانجام هر یک از ده وجه قرائات به دو طریق که اندکی با هم تفاوت داشتند مورد پذیرش قرار گرفت و همه این قرائات بلحاظ نظری، مربوط به طیف "متن دریافت شده بدون اختلاف" شناخته شدند. به خاطر همه اهداف و مقاصد، امروزه در مقام عمل تنها دو نوع قرائت به طور کلی کاربرد یافته است؛ یکی قرائت حفص (م. 190 ه. ق) از طریق عاصم (م. 127) که واجد تأیید رسمی گردید هنگامی که قرآن استاندارد مصر در سال 1924 به چاپ رسید این نوع قرائت را برگزیدند. و قرائت دیگر عبارت بود از قرائت ورش (م. 197) از طریق نافع (م. 169) که در شمال افریقا جز مصر، مورد پیروی قرار گرفت.

ماهیت مفروض استدلالات عالمانه درباره قرائات مربوط به متن مصاحف مختلف سرانجام آن عالمان را به این معنا سوق داد که با نهایت دقت، آن قرائات را مورد ارزیابی قرار داده و داوری حساب شده ای راجع به صحت آنها ارائه دهند. (مانند برگشتراسر، پریتزل، جفری وفیش). اینکه بیشتر قرائات موجود پیش از مصحف عثمانی را بعنوان تلاش هایی از سوی لغت شناسان مسلمان در جهت تصحیح متن عثمانی بتوان تفسیر نمود بصورت دیدگاه رایجی بطور روز افزون پذیرفته شد. در نیمه دوم همین قرن دو تن از پژوهش گران به این نتیجه رسیدند که این "مصاحف" به حسب واقع جعلیاتی بوده که در تحقیقات صدر اسلام ایجاد کرده اند البته بدون آن که دلیلی جانبی و انکارناپذیر برای مدعیان خود ارائه دهند. "وانس برو" با موضع گیری مخالفی به این نتیجه نایل آمد که قرآن تا دویست یا سیصد سال پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تدوین نشده بود ولی "جان برتون" معتقد شد که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] خودش جمع نهایی متن غیر مصوت قرآن را پدید آورد.

چنین فرضیه های کاملاً متفاوت و نیز این واقعیت که هیچ متن یکسانی از قرآن وجود ندارد که نشان گر ویرایش نقادانه متن بر مبنای نسخه های دست نویس اصلی موجود بوده باشد و قرائات مختلف را مورد ارزیابی دقیق قرار داده باشد این معنا را اثبات می کند که بیشتر بازسازی های تاریخ گذاری تثبیت قرآن بعنوان متنی مکتوب به بن بست رسیده است.

تنها آینده داوری خواهد کرد که آیا یک تحلیل رایانه ای راجع به حجم عظیمی از مطالب مربوط به متن قرآن قادر خواهد بود که پژوهشی عالمانه برای ایجاد تصویری ثابت تر در مورد تاریخ گذاری متن قرآن ارائه نماید یا خیر.

البته ممکن است موفقیت چشمگیری در رابطه با تاریخ گذاری قرآن از طریق تحلیل منسجم تری از تاریخ گذاری موضوعات درون قرآنی نظیر چهار نمونه ای که در این بررسی ذکر گردید، بدست آید.

پی نوشت ها :

(*) - عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی قم

1- نهج البلاغه، خطبه 198

2- Encyclopaedia of the Quran, Brill, Leiden-Boston, 2002

3- جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره این دائرة المعارف ر. ک: فصلنامه علمی ترویجی قبسات، پاییز 1382، ش

29، مقاله محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] جواد اسکندری

4- بنگرید به مدخل "کتاب مقدس و قرآن"

5- بنگرید به مدخل "واژگان بیگانه"

6- اگر چه به لحاظ سبک بین آیات قرآن و سخنان غیب گویان کاهن تشابه وجود دارد ولی نباید تفاوت های قرآن

با کهنات رانادیده گرفت چرا که در کهنات، تکلف و گنگی و اباطیل بکار می رفت در حالی که در قرآن مجید هیچ

یک از این عیب ها وجود ندارد. چنان که ولید بن مغیره که از ادبای بلند پایه ی عرب به شمار می رفت پس از

شنیدن سخنان قرآن چنین اذعان نمود: "یا عجباً لما یقول ابن اُبی کبشه فوالله ما هو بشعر و لا بسحر و لا بهذی

جنون و ان قوله لمن کلام الله": "آنچه فرزند اُبی کبشه می سراید، به خدا سوگند نه شعر است و نه سحر است و

نه گزافه گویی بی خردان، بی گمان گفته او سخن خداست. (تفسیر طبری، ج 29، ص 98؛ سیره ی ابن هشام، ج

1، ص 288، التمهید فی علوم القرآن، ج 4، ص 192 - 191). بنابراین تشابه بین آیات قرآن و سخنان کاهنان به

لحاظ وجود سجع و کوتاهی سخن و کاربرد سوگند، دلیل بر همسانی آن دو در ماهیت و محتوا و اعتبار نیست.

7- در دانش تاریخ گذاری قرآن از تاریخ نزول وحی های قرآنی نازل شده بر حضرت محمد [صلی الله علیه و آله و

سلم] صلی الله علیه و آله بحث می شود. و این کار، فقط در خصوص قرآن کریم، امکان پذیر است زیرا سایر کتب

آسمانی نزول دفعی داشته اند ولی قرآن براساس مقتضیات و نیازهایی نازل می شد که به صورت تدریجی در

دوران و محلّ زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پدید می آمد. (ر. ک: سیوطی، الاتقان، ج 1، ص 94) تاریخ

گذاری قرآن گرچه امر بسیار دشواری است ولی براساس روایات معتبر و نیز محتویات و مطالب خود قرآن می توان

به تعیین تاریخ نسبتاً دقیق نزول آیات و سور آن پرداخت.

8- ج، 80 = نبأ، 81 = نازعات، 82 = انفطار، 83 = انشقاق، 84 = روم، 85 = عنکبوت، 86 = مطففین، 87 = بقره،

88 = انفال، 89 = آل عمران، 90 = احزاب، 91 = ممتحنه، 92 = نساء، 93 = زلزال، 94 = حدید، 95 = محمد [صلی

الله علیه و آله و سلم]، 96 = رعد، 97 = رحمن، 98 = انسان، 99 = طلاق، 100 = یّنه، 101 = حشر، 102 = نصر،

103 = نور، 104 = حج، 105 = منافقون، 106 = مجادله، 107 = حجرات، 108 = تحریم، 109 = جمعه، 110 =

تغابن، 111 = صف، 112 = فتح، 113 = مائده، 114 = توبه. (بنگرید به: التمهید، ج 1، ص 138 - 135)

ترتیب تاریخ گذاری روایی منسوب به ابن عباس بدین قرار است:

1 = علق، 2 = قلم، 3 = مزمل، 4 = مدثر، 5 = فاتحه، 6 = مسد، 7 = تکویر، 8 = اُعلی، 9 = لیل، 10 = فجر، 11 =

ضحی، 12 = شرح، 13 = عصر، 14 = عادیات، 15 = کوثر، 16 = تکاثر، 17 = ماعون، 18 = کافرون، 19 = فیل، 20 =

= فلق، 21 = ناس، 22 = توحید، 23 = نجم، 24 = عبس، 25 = قدر، 26 = شمس، 27 = بروج، 28 = تین، 29 = قریش، 30 = قارعه، 31 = قیامه، 32 = همزه، 33 = مرسلات، 34 = ق، 35 = بلد، 36 = طارق، 37 = قمر، 38 = ص، 39 = اعراف، 40 = جن، 41 = یس، 42 = فرقان، 43 = فاطر، 44 = مریم، 45 = طه، 46 = واقعه، 47 = شعراء، 48 = نمل، 49 = قصص، 50 = اسراء، 51 = یونس، 52 = هود، 53 = یوسف، 54 = حجر، 55 = انعام، 56 = صافات، 57 = لقمان، 58 = سبأ، 59 = زمر، 60 = غافر، 61 = فصلت، 62 = شوری، 63 = زخرف، 64 = دخان، 65 = جاثیه، 66 = أحقاف، 67 = ذاریات، 68 = غاشیه، 69 = کهف، 70 = نحل، 71 = نوح، 72 = ابراهیم، 73 = أنبیاء، 74 = مؤمنون، 75 = سجده، 76 = طور، 77 = ملک، 78 = حاقه، 79 = معار

9- گوستاو ویل 1889 - 1808 (GUSTAV WELL) خاورشناسان آلمانی آثار متعددی از خود به یادگار گذاشت که مهم ترین آنها کتاب "مقدمه ای تاریخی - انتقادی بر قرآن" (Historisch - Kritische Einleitung in der Koran) در سال 1844 است. وی در این کتاب، پیرامون جمع قرآن و نظم تاریخی سوره ها و آیات قرآن سخن گفته است. او تاریخ گذاری سوره ها را بر اساس سه معیار ارائه نمود:

یک - استناد به رخدادهای تاریخی که از طریق منابع دیگر شناخته شده است.

دو - مضامین وحی یا محتوای آیاتی که بیانگر شرائط و وظائف گوناگون پیامبر است.

سه - سبک و سیاق ساختار وحی به لحاظ نحوه لحن و آهنگ و شیوه ی نثر یا سجع عبارات.

طبقه بندی سوره ها بر مبنای سبک و مضامین آن ها صرفاً ذوقی و سلیقه ای بوده و توانایی تعیین تاریخ نزول سوره ها را ندارد ولی معیار نخست او یعنی استفاده از اشارات و تصریحات قرآن به رخدادهای زمانمند زندگی پیامبر صلی الله علیه وآله می تواند در کنار روایات صحیح، سودمند و راهگشا به شمار آید.

10- تئودور نولد که 1836 - 1930 (THEODOR NOLDEKE) خاورشناس آلمانی آثار متعددی از خود بجای نهاده است که مهم ترین آن ها کتاب "تاریخ قرآن" (Geschichte des Qorans) می باشد این کتاب که به زبان آلمانی نوشته شده و تاکنون به هیچ زبانی ترجمه نشده است شامل سه بخش بزرگ و نزدیک به نهصد صفحه است. بخش اول آن درباره ی وحی است که در توصیف آن می گوید: پدیده وحی ناشی از انفعالات و تأثیرات شدیدی بود که بر پیامبر صلی الله علیه وآله سیطره داشت. آنگاه به ذکر منشأها و زمینه های پیدایش قرآن کریم می پردازد و عواملی همچون محیط زندگی پیامبر صلی الله علیه وآله و نقش اهل کتاب بویژه یهود را در این زمینه ذکر می کند. سپس به تشریح سبک و سیاق قرآن و مضامین کلی سوره ها می پردازد و قرآن را به دو قسم مکی و مدنی تقسیم می کند.

سوره های مکی را نیز به سه طبقه تقسیم می نماید. بخش دوم - جمع و تدوین قرآن، در چند مرحله صورت پذیرفته است. دیدگاه شیعه درباره ی نص قرآن و رابطه ی پیامبر صلی الله علیه وآله با یهود و نصاری را مطرح می کند. در بخش سوم، قراءات و رسم الخط قرآنی را توضیح می دهد. (موسوعة المستشرقین، تألیف عبدالرحمن بدوی، ص 714 - 024)

11- رژی بلاشر 1900 - 1973 (REGIS BLACHERE) از خاور شناسان فرانسوی است که در شیوه ی پژوهش به ویژه از نولد که بهره جسته و تحت تأثیر او قرار گرفته است. مهم ترین اثر او کتاب "مقدمه ای بر ترجمه قرآن" (coranIntroduction au) است که بوسیله دکتر محمود رامیار به زبان فارسی برگردانده شده و با نام "در آستانه قرآن" انتشار یافته است. این اثر بلاشر در پاره ای از موارد منصفانه اظهار نظر کرده و تند روی های خاور شناسان را نمی پذیرد. با وجود این، خطاهایی را نیز در آن می توان یافت.

12- هرشفلد 1854 - 1934 (Hirschfeld) خاورشناس انگلیسی در اثری به نام "تحقیقی تازه درباره ی ترکیب و تفسیر قرآن"

(New Researches Into the composition and Exegesis of the Qoran , London: 2091)

بیشتر سوره های قرآن را برحسب مطالب و محتویات آن تقسیم بندی کرده و درباره انشاء و ترکیب و فصاحت قرآن مطالب جالبی نوشته است. تقسیم بندی او به قرار ذیل است:

یک - سوره 96 که صورت یک اعلامیه ای را دارد.

دو - متونی که بیشتر محتوی آیات تأکیدی و اثبات با براهین است.

سه - سوره های خطابی و موعظه ای.

چهار - سوره های محتوی داستان ها.

پنج - سوره های شامل توصیف قیامت و بهشت و دوزخ.

شش - سوره های محتوی مقررات حقوقی.

وی بسیاری از سوره ها را متعلق به تاریخ های متفاوتی دانسته است.

(بنگرید به: دکتر محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص 622)

13- ویلیام مویر 1819 - 1905 (WILLAM MUIR) خاورشناس و میسیونر انگلیسی است در کتاب "قرآن،

ترکیب و تعلیمش" (The Coran: Its composition and teaching) سوره های قرآن را در شش گروه طبقه

بندی کرده که پنج گروه آن مکی و یک گروه آن مدنی است. او در طبقه بندی اش بسیار به روایات سیره پیامبر

صلی الله علیه وآله تکیه نموده است.

14- مویر معتقد بود که سوره ی علق نخستین سوره ای است که در آغاز دعوت علنی نازل شده است و علت این

که هیچده سوره را پیش از سوره ی "علق" ذکر کرده، این بوده که آن ها را به عنوان پیام الهی نیافته است.

15- سبک" در اصطلاح ادبیات عبارت است از "روش خاص ادراک و بیان افکار بوسیله ترکیب کلمات و انتخاب

الفاظ و طرز تعبیر" (ر. ک: لغتنامه دهخدا، ج 9، ص 13412) گرچه بلحاظ سبک، تغییراتی در طول سال های

نزول وحی به وجود آمده است اما هیچ دلیلی وجود ندارد که تمام سوره های دارای سبک یکسان متعلق به دوره

ای خاص باشند و در دوره های دیگر یافت نشوند. بنابراین سوره های قرآن برحسب سبک و اسلوب چندان

متمایز نیستند تا بتوان آنها را به صورت قطعی طبقه بندی کرد.

16- ملاک کوتاهی یا بلندی آیات و سوره ها نیز امری ذوقی و تخیلی است و نمی توان بر پایه ی آن میان مراحل

دوران وحی مکی و وحی مدنی تفکیک قائل شد و اساساً کوتاهی و بلندی آیات امری توقیفی است نه اجتهادی.

(ر. ک: مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج 1، ص 209)

17- نولدکه استعمال سوگند در نخستین آیه از سوره ها را نشانه ی تعلق آن سوره ها به دوران میانی وحی مکی

دانسته است در حالی که در نخستین آیه از سوره های مربوط به دوران های دیگر وحی نیز سوگند مشاهده می

شود: "والذاریات ذرواً"، "والنجم اذا هوی"، "ن و القلم و مایسطرون"، "لأقسم بیوم القیامه"، "والمرسلات عرفاً"،

"والنازعات غرقاً"، "والسما ذات البروج"، "والسما و الطارق"، "والفجر"، "لأقسم بهذا البلد"، "... والعصر"؛ نولد

که همه این سوره ها را جزو سوره های دوران نخست مکه یاد کرده است و جالب اینجاست که تعداد این سوره

ها بیشتر از سوره هایی است که جزو دوران میانی مکه برشمرده که با سوگند آغاز شده اند.

18- خاورشناسانی از قبیل "بول دیک"، "نولدکه"، "بور" و "جونت" براین باورند که حروف مقطعه به هیچ وجه جزء

اصلی قرآن نبوده اند. "بول دیک" می گوید این حروف رمزهایی برای مصاحف قرآنی برای مسلمانان پیش از به وجود آمدن مصحف عثمانی بوده اند. "تولدکه" معتقد است که این حروف علائم اختصاری صاحبان صحیفه هائی است که زید بن ثابت آن ها را برای جمع قرآن مأمور ساخته بود.

اما "بور" و "جونت" گمان کرده اند که حروف مقطعه علائم اختصاری نام های پیشین سوره های قرآن هستند. (ر. ک: الشیخ فؤاد کاظم المقدادی، "الاسلام و شبهات المستشرقین"، ص 142). ولی قول حق آن است که تمام حروف مقطعه از ابتدای نزول جزو اصلی سوره ها بوده و هستند و به لحاظ معنا و مفاد تفاسیر مختلفی برای آنها ارائه شده است مثلاً علامه طباطبائی "ره" در تفسیر سوره شوری فرموده اند: "چنانچه در سوره هایی که به حروف مقطعه افتتاح شده تدبّر شود؛ مانند "الم" ها، "الر" ها، "طس" ها و "حم" ها؛ هر آینه می یابی که این سوره ها از حیث محتوا مشابه یکدیگرند و سیاق آن ها یکنواخت است. لذا ممکن است حدس زده شود که میان این حروف و محتوای سوره های مربوطه رابطه ای وجود دارد به عنوان نمونه سوره اعراف که به "المص" مصدر شده، شاید جامع محتوای سوره های "الم" و "ص" باشد. (ر. ک: المیزان، ج 18، ص 6) و استاد معرفت نیز پس از ذکر چند احتمال، اضافه می کند: "بیش تر اهل نظر بر این باورند که حروف مقطعه رموز و اشاراتی هستند که جز اولیای مقرب، کسی را بدان راه نیست. در میان عرب نیز چنین شیوه ای وجود داشته که با رمز و اشارت سخن می گفتند"

(بنگرید به: التمهید فی علوم القرآن، ج 5، ص 310 - 315)

19- خاورشناسان اغلب برای طبقه بندی سوره ها و تعیین مکی و مدنی بودن آن ها و ترتیب نزولشان به آهنگ و سبک و مضمون سوره ها توجه واستناد نموده اند و کمتر اعتنائی به روایات - به ویژه روایات ترتیب نزول - کرده اند، در نتیجه ترتیب هایی را از سوره های قرآن ارائه داده اند که نه تنها با ترتیب روائی سازگار نمی باشد بلکه میان خود آن ترتیب ها اختلاف بسیاری وجود دارد.

(ر. ک: جعفر نکونام، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، ص 11 و 296 - 294)

20- این ادعا که "علی علیه السلام پس از انتشار مصحف عثمانی اجازه داد که مصحفش سوزانده شود" کذب محض است، در روایتی طلحه از علی علیه السلام درباره سرنوشت مصحف آن حضرت سؤال نمود، حضرت فرمودند: "مصحف خود را به همان شخصی که پیامبر صلی الله علیه وآله به من دستور داده می دهم، به فرزندم حسن که پس از من وصی من و از همه به من سزاوارتر است. فرزندم حسن مصحف را به فرزند دیگرم حسین می دهد و پس از او در دست فرزندان حسین علیه السلام یکی پس از دیگری قرار خواهد گرفت. . . (بحارالأنوار، ج 89، ص 52 - 40)

کتاب شناسی

1. سیره ابن اسحاق.

2. تاریخ طبری.

منابع فرعی:

1. "محمد ، انسان و ایمانش" نوشته "تی آندرا" چاپ 1936 در نیویورک.

2. "منشأ اسلام در محیط مسیحیت آن" نوشته "ریچارد پل" چاپ 1926 در لندن.

3. "درآمدی بر قرآن" نوشته "بلاشر" در سال 1977.

4. "سفرهایی در سرزمین های مقدس" نوشته "برتون" و "فایرستون" چاپ 1990 در نیویورک.
5. "پژوهش های نوین درباره تدوین و تفسیر قرآن" نوشته "هرشفلد" چاپ 1902 در لندن.
6. "ابراهیم در قرآن" نوشته "یوسف مبارک" چاپ 1958 در پاریس.
7. "قرآن، ترکیب و تعلیمش" نوشته "ویلیام مویر" چاپ 1878 در لندن.
8. "محمد و قرآن" نوشته "استوت گارت" چاپ 1957.
9. "محمد در مکه" نوشته "وات" چاپ آکسفورد در سال 1953.
10. "محمد در مدینه" نوشته "وات"، چاپ 1956 در آکسفورد.
11. "تاریخ قرآن" نوشته "جی. ویل"، چاپ 1844 در "بیلفلد".
12. "محمد و یهودیان مدینه" نوشته "ای. جی. ونسینک" چاپ 1973 در "فری برگ".

کتابنامه

1. قرآن.
2. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
3. اسکندرو، محمد جواد؛ معرفی و نقد دائرة المعارف قرآن لیدن، قبسات، سال هشتم، پاییز 1382، شماره 29.
4. بدوی، عبدالرحمن؛ موسوعة المستشرقین، ط 3، بیروت، دار العلم للملایین، 1993.
5. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه؛ چ 2، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1377 ش.
6. رامیار، محمود، تاریخ قرآن؛ چ 2، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، 1362 ش.
7. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ط 6، قاهره، داراحیاء الکتب العربیة، بی تا.
8. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی، 1394 ق.
9. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار؛ بیروت، الوفاء، 1403 ق.
10. معرفة، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن؛ ط 2، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1415 ق.
11. مقدادی، فؤاد کاظم، الاسلام و شبهات المستشرقین؛ ط 1، المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام؛ 1416 ق.
12. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن؛ چ 1، تهران، نشر هستی نما، 1380 ش.